

آهنگران، حسن، ۱۳۲۱ هـ. ش

آموزه‌های گام‌به‌گام خط ریز نستعلیق / ویژه فارسی‌آموزان کشورهای مختلف / تألیف و نگارش حسن آهنگران / ویراستار محمدعلی متولیان
قم: سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور، ۱۳۸۶.

ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۵۹۱۳-۷۱-۵ ۱۹۲ ص.

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. خط نستعلیق، راهنمای آموزشی ۲. خط ریز نستعلیق ۳. خط تحریری ۴. خوشنویسی ۵. قواعد خوشنویسی ۶. آموزش خوشنویسی

رده بندی کنگره: NK ۳۶۳۹/۴۲/۱۹ رده بندی دیویی: فا ۷۴۵/۶۱۹ شماره کتابخانه ملی: ۱۰۲۰۵۶۸

آموزه‌های گام‌به‌گام خط ریز نستعلیق

(ویژه فارسی‌آموزان کشورهای مختلف)

کتاب اول، دوم، سوم و چهارم

تألیف و نگارش:

استاد حسن آهنگران

ویراستار:

محمدعلی متولیان

گرافیک و صفحه‌آرایی:

دفتر طراحی و گرافیک آیات سبز

تایپ:

مصطفی شالچیان

ناشر:

سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور

تیراژ:

۳۰۰۰ نسخه

تاریخ نشر:

چاپ اول، بهمن‌ماه ۱۳۸۵

لیتوگرافی:

نقش

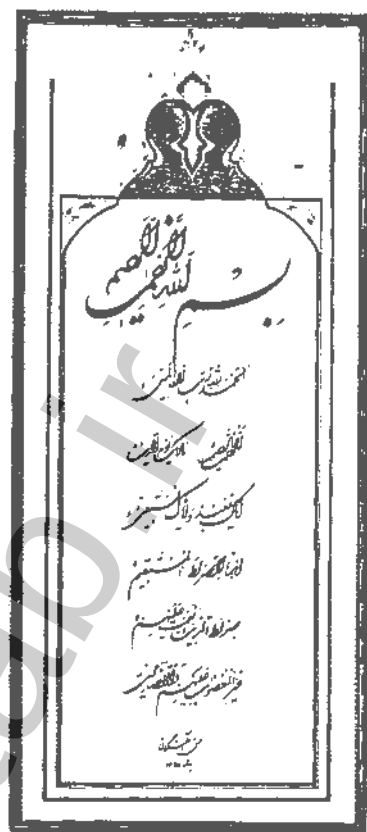
چاپ:

باقری

شابک:

۹۷۸-۹۶۴-۵۹۱۳-۷۱-۵





فهرست اجمالی

۳		سخن سازمان
۴		مقدمه ویراستار
۸		دیباجه مؤلف
۱۳		کتاب اول (آموزش حروف)
۵۹		کتاب دوم (آموزش اتصال حروف)
۱۰۵		کتاب سوم (حروف در واژگان)
۱۴۹		کتاب چهارم (قواعد سطر نویسی و متن نویسی)
۱۹۲		زندگی نامه مؤلف

سخن سازمان

هو الجمیل

«خط، یگانه ابزار ماندگار برای بازگو نمودن ایده و فکر از شخصی به دیگری و از نسلی به آیندگان است. همانگونه که بلاغت و رسایی، فهم و درک کلام را آسان و شنیدنی می‌کند، زیبایی خط، آنچنان نوشته را خواندنی نموده و به آن جذابیت می‌بخشد که پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرمایند: ﴿خط خوش، حقیقت حق را آشکارتر می‌سازد﴾.

خطوط متداول در نگارش پارسی امروزی، ریشه در دو خط ابتدایی عربی یعنی کوفی و نسخ دارد، قلم نستعلیق نیز ترکیبی از دو خط عربی نسخ و تعلیق* است اما با این حال نمی‌توان دلربایی خط‌های فارسی را نادیده گرفت زیرا در اقلامی که ایرانیان وضع کرده‌اند ذوق و سلیقه و لطف مخصوصی هویدا است. ذوق سرشار ایرانی فقط به خط فارسی لطافت نداد، بلکه شعر و نثر فارسی و حتی تحلیل و برداشت ایرانی از قرآن و اسلام و معارف اهل بیت (ع) را هم خواندنی‌تر نموده است.

از این رو «آموزش خط فارسی» در حقیقت کوششی در راستای درک ژرف «فرهنگ اسلامی» همراه با لطافت و زیبایی‌های آن است که در این جا با هنر آفرینی ادیب و خوشنویس گرانمایه، جناب استاد حسن آهنگران تقدیم شده و جای بسی تقدیر است. در پایان از کلیه عزیزانی که از اولین گام و هنگام پیشنهاد این طرح تا تایپ و صفحه‌بندی و چاپ و ... پیگیر بوده‌اند به ویژه از تلاش‌های مداوم جناب آقای محمدعلی متولیان در ویرایش متن و نگارش مقدمه سپاسگزارم.

محمدعلی شاه‌آبادی

معاون پژوهشی سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور

بهار ۱۳۸۶

* تعلیق نیز از ترکیب خطهای توفیق و رفاع بدست آمده است. (برای مطالعه بیشتر رک: غلامحسین مصاحب، دایرة المعارف فارسی؛

اِنَّ اللّٰهَ جَمِيْلٌ وَ يُّحِبُّ الْجَمَالَ

قدر اهل هنر کسی داند که هنرنامه‌ها بسی خواند^۱

«هنر گوهر بسیار گران‌بهای است که ارزش و گران‌بهای آن فقط به این جهت نیست که دل‌ها و چشم‌هایی را به خود جذب می‌کند - خیلی از چیزهایی که هنری نیست، ممکن است چشم‌ها و دل‌هایی را به خود جذب کند - نه این یک موهبت و عطیه الهی است. حقیقت هنر، هر نوع هنری، یک عطیه الهی است ... در واقع هنر، یک موهبت الهی و یک حقیقت بسیار فاخر است»^۲.

قلندران حقیقت، به نیم‌جو نخرند قباي اطلس آن کس که از هنر عاری است^۳

«ابزارهای هنری بی‌شک، رساترین، بلیغ‌ترین و کاری‌ترین ابزار بلاغ و تبلیغ پیام است. هنر یک شیوه‌ی بیان است. یک شیوه‌ی ادا کردن است، منتها این شیوه‌ی بیان، از هر تبیین دیگری رساتر، نافذتر و ماندگارتر است. دقت در هر یک از این چند تعبیری که عرض کردم؛ رساتر بودن، دقیق‌تر بودن، نافذتر و ماندگارتر بودن، در فهم معنای هنر کمک می‌کند. ای بسا که یک گزارش غیر هنری، گرچه علمی و تحقیقی و دقیق، خاصیت ارائه هنری را نداشته باشد. بارها گفته‌ام که هر پیامی، هر دعوتی، هر انقلابی، هر تمدنی و هر فرهنگی تا در قالب هنر ریخته نشود، شانس نفوذ و گسترش ندارد و ماندگار نخواهد بود و فرقی هم بین پیام‌های حق و باطل نیست. امروز حرکتی جدی و مستمر برای تعالی هنر در جامعه ضرورت دارد این حرکت را آغاز کنید. دست خدا با ما و حمایت مردم و امکانات کشور در اختیار شماست»^۴.

«هنرمند، هم در باب فرم و قالب هنر و هم در باب مضمون، تعهد دارد». «من مطلبی را به گمانم از قول رومن رولان خواندم که گفته بود: «در یک کار هنری، ۱۰٪ هنر، ۹۰٪ اخلاق»؛ به نظرم رسید که این حرف، حرف دقیقی نیست، اگر از من سؤال کنند من می‌گویم: «۱۰٪ هنر و ۱۰۰٪ اخلاق»؛ این‌ها با هم منافات ندارند باید ۱۰۰٪ کار را با «خلاصیت هنری» ارائه داد و ۱۰۰٪ آن را از مضمون عالی و تعالی‌بخش و پیش‌برنده و فضیلت‌ساز پر کرد و انباشت، آن چیزی که دغدغه برخی آدم‌های دلسوز در زمینه مسائل هنری است»^۵.

«هنر دینی، هنری است که قالب و صورتی دینی نیز داشته باشد، چنانچه آنرا در شعر کهن، معماری قدیم ایران و یا موسیقی مقامی می‌یابیم. در اینجا "قالب"، صورتی متزل و رمزی است از همان حقیقت دین؛ ... هنر دینی نتیجه تاریخ تقرب انسان به حقیقت مطلق است»^۶.

نقش مستوری و مستی نه به دست من و توس

آن چه سلطان ازل گفت بکن، آن کردم
هر چه کردم همه از دولت قرآن کردم
سال‌ها بندگی صاحب دیوان کردم^۷

صیغ خیزی و سلامت طلبی چون حافظ
گر به دیوان غزل صدر نشینیم چه عجب

۱. نظامی گنجوی^۱.

۲. سخنرانی آسائله‌سیدعلی خامنه‌ای: ۱۳۸۰/۵/۱ در جمع اصحاب فرهنگ و هنر.

۳. حافظ شیرازی^۲.

۴. هنر از دیدگاه سید علی خامنه‌ای، (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی)، ص ۹ به بعد.

۵. سخنرانی پیشین؛ در جمع اصحاب فرهنگ و هنر.

۶. شهید مرتضی آوینی؛ رنگ علی تاج‌دینی؛ مباحث هنر معنوی، (تهران: حوزه هنری، ۱۳۷۶)، ص ۹.

۷. حافظ شیرازی^۳.



حکیم شهیر سوئسی می گوید: «تکرار فراوان کتیبه‌های مأخوذ از قرآن کریم بر روی دیوارهای مساجد و سایر ابنیه، انسان را یادآور این حقیقت می‌سازد که تار و پود حیات اسلامی، از آیات قرآنی تنیده شده ... اگر بتوان فیضی را که از قرآن کریم سرچشمه می‌گیرد، یک «ارتعاش معنوی» خواند، باید بگوییم تمام هنر اسلامی باید ضرورتاً، اثر این ارتعاش را دربرداشته باشد. بنابراین، هنر بصری اسلامی، فقط انعکاس بصری کلام قرآن است و جز این نمی‌تواند باشد». بورکهارت در ادامه به طرح دو تناقض ظاهری و سپس ارائه پاسخ به آن می‌پردازد، او معتقد است برخلاف «هنر مسیحی» که «دانستنه‌های عهد قدیم و جدید» را مصور می‌سازد، چنین حجمی از تصویرسازی در هنر اسلامی مبتنی بر محتویات قرآن دیده نمی‌شود همچنین «قرآن کریم دارای گسستگی عجیبی است و هیچ نظم منطقی، از نظر گاه شعری ندارد. ... در حالیکه هنر اسلامی تماماً نظم و وضوح و سلسله مراتب است؛ در جواب باید گفت رابطه بین کلام قرآن و هنرهای بصری اسلامی را نباید در سطح صورتهای ظاهری جستجو کرد. قرآن کریم با وجود زیبایی مستغرق‌کننده بسیاری از آیات آن، یک اثر هنری نیست بلکه حقیقتی کاملاً دیگر است. همچنین هنر اسلامی بیش از آنکه از معانی لفظی یا صورت قرآن سرچشمه گیرد از حقیقت و جوهر معنوی قرآن نشأت یافته است ... هنر اسلامی اساساً از «توحید» یعنی «پذیرش وحدت الهی» یا مشاهده آن سرچشمه می‌گیرد. ذات توحید، ماورای الفاظ و کلمات است و در قرآن خود را توسط لمعات منقطع و ناگهانی جلوه‌گر می‌سازد ... که به نوبه خود، اساس هنر اسلامی را تشکیل می‌دهد».

تبارشناسی خط خوش

استاد ازل کاین خط مشکین رقم اوست یا رب چه رقم‌های غجب در قلم اوست^۸

تیتوس بورکهارت^۹ در مقایسه شاخه‌های مختلف «هنر مسیحی» و «هنر اسلامی» در قالب مثال‌های مختلف، از جمله به بحث «طرحهای اسلیمی» موجود در کاشیکاریها و نقشه‌های قالی و ... در جهان اسلام می‌پردازد و از سوی دیگر به «تأکید هنر دینی مسیحی» بر «تصاویر و شمایل انسانی» اشاره نموده و می‌گوید: «طرحهای اسلیمی با مبدل ساختن یک سطح، به بافتی الوان، مانع این می‌شود که ذهن بیننده بر روی صورت خاصی [از موجود زنده]، که «من» می‌گوید، متمرکز شود آنچنانکه [بطور مثال در کاشیکاریهای بیزانسی] یک تصویر می‌گوید: «من» مرکز طرح اسلیمی همه جا هست و هیچ جا نیست ... یک رمز گیرا از مقام شهودی انسان، در مرتبه‌ای که وحدت را در کثرت و کثرت را در وحدت مشاهده می‌کند ... در عین حال که منطقی بوده و دارای وزن است، در عین حال هم، دارای آهنگ موسیقی نیز می‌باشد. از لحاظ روح اسلام این حقیقت دارای نهایت اهمیت است که طرح اسلیمی تعادلی است بین سکر عشق و صحو عقل. ... (و اینگونه است که در هنرهای اسلامی) جنبه انفرادی هنرمند به اجبار از میان برمی‌خیزد بدون اینکه شادی خلاقیت از او سلب شود. البته این شادی، کمتر جنبه شهوانی و بیشتر جنبه معنوی به خود می‌گیرد». بورکهارت این «تجلی وحدت در کثرت را و فنای کثرت در وحدت را» همچون یک تبار و زیرساخت، در کلیه هنرهای اسلامی، از طاق و گنبد معماری تا صنایع مستظرفه و از جمله در هنر خط‌خوش، پیگیری می‌نماید. او می‌گوید: «به دو قطب هنرهای بصری در اسلام، یعنی معماری و خط، بنگریم؛ اولی هنری است که بیشتر از دیگر هنرها مشروط به عواملی مادی است در حالی که دومی از این لحاظ از همه هنرها آزادتر است. با وجود این، هنر خط، تحت قوانین شدید از لحاظ اشکال مشخص، حروف و تناسب آنها و استمرار وزن و انتخاب سبک قرار دارد. از سوی دیگر امکان ترکیب حروف، تقریباً بی‌نهایت است و سبک‌ها، فرق بسیار دارد. از سبک چهارگوش کوفی تا روان‌ترین سبکهای خط نسخ»، «حداکثر نظم با حداکثر آزادی، به خط اسلامی، جنبه شاهانه می‌بخشد و در هیچ یک از هنرهای بصری، «روح اسلام» آنچنان آزادانه تجلی نمی‌کند». این «روح اسلام»، این «شهود وحدت در کثرت و کثرت در وحدت»، این «تعادل بین سکر عشق و صحو عقل»، این «برخاستن جنبه انفرادی هنرمند»، این



۸. تیتوس بورکهارت، ارزش‌های جاویدان هنر اسلامی، ترجمه دکتر سید حسن نصر، رک. علی تاج‌دینی، پیشین، صص ۷۶ و ۷۷.

۹. رساله مناد الخطوط؛ میر علی هروی.

۱۰. تیتوس بورکهارت، پیشین، ص ۶۵ به بعد.

"خبررسانی از کرشمه‌های تقرب"، را می‌توان در میان انواع خطوط اسلامی، در "خط نستعلیق" بیش از هر نوع دیگر، مشاهده نمود.

مقیّد خوانی و مطلق‌نویسی است	بلوغ خوشنویسی، حق‌نویسی است
ز خط و خال و ابرو می‌نویسند	خوشا آنان که از او می‌نویسند
تمام نقطه‌ها، خال لب اوست ^{۱۱}	القباء، ریزه‌خوار مکتب اوست

بهره‌برداری از خط نستعلیق

«خط، میراث گذشتگان است»^{۱۱}، خط نیکو، از صدر اسلام مورد تشویق بوده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «خط زیبا، وضوح حق را افزایش می‌دهد»^{۱۲} و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می‌فرمایند: «خط زیبا، مایه تفریح و به گردش رفتن چشم است» و یا تأکید می‌نمایند: «بر شما یاد به خوشنویسی»^{۱۳}؛ بر همین مبنا، ادیبان در طول تاریخ ایران به تشویق خوشنویسی پرداخته‌اند.

قبح خط، دیده را کند گُلخن ^{۱۴}	خشن خط، چشم را کند روشن
چو روح اندر تن بُرنا و پیر است	خط خوب این برادر دلپذیر است
و گر درویش، او را دستگیر است	اگر مُنعم بود، آرایش اوست

بهره‌برداری از خط نستعلیق

تیتوس بورکهارت معتقد است هر هنر دینی، مبتنی بر یک «شهود و معرفت الهی» است که برای تجلّی سمبولیک و نمادین آن شهود، مجموعه‌ای از قالب‌ها و فنون کاملاً متناسب برای این تجلّی را خلق نموده است. لذا بین امکان آن تجلّی و «این قالب‌ها و فنون»، کاملاً ارتباط وثیقی نهفته است. او می‌گوید: «ممکن و حتی لازم نیست که هر هنرمند یا صنعتکاری که به یک هنر دینی اشتغال دارد، از این قانون الهی که درون صور و قالب، موجود است آگاه باشد؛ عملاً او فقط بعضی از فنون کاربردی را در محدوده حرقای خویش، می‌شناسد. این فنون حرفه‌ای به وی امکان می‌دهد که شمایی را نقاشی کند و یا به شیوه‌ای که از لحاظ فن و روش، درست باشد به خطاطی و خوشنویسی بپردازد بی آنکه الزاماً معنای عمیق آنچه را که بکار می‌برد، بدانند و بشناسد. این "سنت" است که با انتقال نمونه‌های معنوی و قواعد کار از نسلی به نسل دیگر، ضامن اعتبار روحانی صور و قالب خواهد بود»^{۱۵}. بنابراین می‌توان گفت انتقال «قواعد» هنرهای اسلامی از جمله فنون خوشنویسی، از نسلی به نسلی دیگر و یا از سرزمینی به سرزمین دیگر، محمل توسعه منظومه دینی اسلام است.

بهره‌برداری از خط نستعلیق

کتاب حاضر، محصول سالها تجربه و تلاش استاد بلندآوازه خط نستعلیق، عارف ادیب، جناب آقای حسن آهنگران می‌باشد که در حوزه‌های مختلف دانش و هنر از جمله ادبیات، شعر و موسیقی، نقاشی و غیره، حیاتی معطر در انجمن فرهیختگان داشته‌اند.

این اثر با مساعدت اولیای دانش‌پرور در «سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور» جهت «علاقتمندان به هنر اسلامی» در چهار گوشه گیتی، از جمله فارسی‌آموزان مراکز وابسته به سازمان، فراهم آمده است. به ایران سخنها روان می‌رود ز ایران سخن در جهان می‌رود^{۱۶}

۱۱. شاعر معاصر: محمدرضا آفاقی.

۱۲. ابن‌الله سیدعلی خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۱۰/۱۰ در جمع قاریان قرآن کریم.

۱۳. رک. کتاب حاضر، کتاب چهارم، ص ۱۸۵.

۱۴. همان.

۱۵. میر علی هروی؛ پیشین؛ کتاب اول، ص ۴۷.

۱۶. تیتوس بورکهارت؛ مدخلی بر اصول و روش هنر دینی؛ ترجمه جلال سناری؛ رک. علی تاج‌دینی؛ پیشین؛ صص ۸۱ الی ۸۳.

۱۷. استاد حسین شهریار؛ رک. کتاب حاضر، کتاب چهارم، ص ۱۷۰.

۱۸. مرحوم غنی کشمیری؛ رک. پیشین؛ کتاب دوم، ص ۱۰۰.



این کتاب در چهار جلد به آموزش گام به گام «خط ریز نستعلیق» می‌پردازد؛ به آموزش هنری که «تاریخ اسلام» را پشتوانه خود دارد. گفته آمد که «خط میراث گذشتگان است» چراکه از سپیده دم تاریخ اسلام، خط اسلامی با همت «کاتبان وحی» پایه‌ریزی شد. در قرن نخست، چهار خط «مدنی، مکی، بصری و کوفی» رایج گشت و در قرن دوم، دوازده خط دیگر بر پایه آن چهار خط شکل گرفت: «طومار کبیر، ثلثین، ثلثین، زنبور، مفتوح، عهد، قصص و ...». چندی نگذشت که تعداد خطوط به وجود آمده بیش از بیست و پنج نوع گشت: «مرصع، نساخ، ریاسی، رقا، ثلث، محقق، منشور، مکاتبات، نرجس، بیاض و ...»؛ روند توسعه کمی و کیفی خط ادامه یافت. در اواخر قرن سوم، به تدریج با همت ایرانیان، به ویژه محمد بن علی بن حسین بن ملّقه شیرازی، هنرمند خوشنویس و وزیر خلیفه عباسی، از خط کوفی، شش خط که به خطوط اصول (یعنی اصول خطهای متداول اسلامی) و با اقلام سته معروف شدند شکل گرفت. این خطوط عبارتند از: «نسخ، ثلث، تعلیق، ریحانی، محقق و رقا»^{۱۹}.

خط نستعلیق که آنرا «عروس زیبای خطوط اسلامی» می‌دانند؛ محصول هنرنمایی ایرانیان از قرن نهم هجری به بعد است. در زمانی که تیموریان امکان فهم فرهنگ ناب ایرانی-اسلامی را یافته و بجای جنایات پدران خود، خدمتگذاری به این فرهنگ را دستور کار خود نمودند، نام «میر علی تبریزی» را بعنوان اولین واضع رسمی خط نستعلیق، شاهد هستیم. بتدریج این خط در اعصار بعدی، از نگاه زیباشناسی، اصلاح گردید و اکنون ما «میراث یک تاریخ» از «تلاش اصلاحی» را در اختیار داریم. تلاش بزرگانی همچون «میر علی هروی» و «ملا جعفر تبریزی» در عصر بایسنقر؛ «سلطان محمد» و «سلطان علی مشهدی» در عصر بایقرا؛ «میر عماد قزوینی» و «ملا علی‌رضای تبریزی» در عصر صفویه؛ «میرزا سنگلاخ بجنوردی»، «میرزا فتح‌علی شیرازی»، «میرزا غلامرضا کلهر» و «میرزا محمدرضا کلهر» در عصر قاجاریه و بسیاری دیگر از متخصصان این فن که میراث فاخری را برای ما باقی نهاده است.

همواره خط نستعلیق بر پایه تجارب خوشنویسی در تاریخ اسلامی بالنده شده است و همواره از زادگاه ایرانی خود، بعنوان تحفه‌ای ارزشمند به شرق و غرب گیتی رفته و در مالزی، بنگلادش، چین، هند، پاکستان، تاجیکستان، قرقیزستان، قزاقستان، ترکمنستان، افغانستان، تاتارستان، گرجستان، ارمنستان، آذربایجان، ترکیه، عراق، سوریه، آلبانی، بوسنی و هرزگوین، مصر، مراکش و ... با قلم هنرمندان این کشورها نگاشته شده است.

کتاب حاضر برای «تقدیم به مردمان جهان» فراهم آمده است خصوصاً تقدیم به کسانی که «کرشمه‌های تقرب در هنر دینی» را دوست می‌دارند.

آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

۲۲ بهمن ۱۳۸۵ هجری شمسی





دیباچه

به نام خداوند لوح و قلم

سپاس بی کران، خداوندی را که به با افتخار بندگی عارف سرود و به راه تعلیم و تربیت راهنمون گردید.
سپاس پروردگاری را که در یکچه ای باغِ حُسنِ ابروی جهانیان گشودنماشتاقان علم و معرفت، نظرافت،
زیبایی نظم و اعتدال از لابلای اوراق بی بدیل آفرینش درک و احساس کنند و در گردش زمین و آسمان
با دریافت هر ستری مزه می عشق و آگاهی و جمال را دریابند.

یکی از احساس های لطیف بشری، «نیاز به ثبت یافته ها و دریافت های خوشتر» است.
این نیاز، خط را به وجود آورده است که در اصل نقش ارتباطی بین گذشته و حال و آینده را بر عهده دارد
و تا این خط، خلقت هنر پوشیده و خود را از این بُعد محصوره ارضی عظیم گردید؛ که همان مسئولیت جان بخشی
به کلام می باشد؛ خط زیبا، جان کلام است و موجب طراوت و سرزندگی و تأثیر موزن تر آن.

پایه بر کرم استقامت فرموده اند؛ خط نیکو به روشن شدن حق و حقیقت می افزاید و مسیر کلام حضرت حق
فرموده اند؛ خط نیکو تفریح و تفسیح چشم است..

خط زیبای پارسی، که کلن زبان زیبای فارسی است از جمله هنرهای است که به ثباتی و استقامتی عهده دار این است
حاصل است. ابراهیم بن محمد شیبانی از برجستگان این عرصه می گوید: خط، زبان دست شادی و



غیر خرد، جای نشین اندیشه و سلاح دانی است..

باری، چنانچه زبان و خط فارسی در طول تاریخ از روم و آسیای صغیر تا چین و هند و عرصه های بین الملل و تعامل بین فرهنگ های گوناگون عرصه ای از حرکتی تاریخ ساز بوده است مناسب است امروزه نیز چون گذشته همپای هم جایگاه بردن مرزی و فضا را قلمی خود را باز یابد و از زیبایی ها، معرفت بخشی ها و روح نوازی های خود، دستداران ابره مند سازد.

براین اساس سازمان حوزه ها و مدارس علیه خارج از کشور مستقر شده در این کار پسنخیده ضروری شتقیا گردد و برنامه های را سامان دهد.

پس مجموعه ای فراهم آید تحت عنوان، آموزه های گام به گام هزار رشته علمی، تا پارسایی با این و پاری دوستان در کنار آموزش زبان پاری، خط پاری را نینسند بیا نوزند.

این مجموعه شامل چهار کتاب است که در یک طرح آموزشی مدون که حاصل تجربیات متعدد آموزشی است صورت ظهور یافته و در دسترس شما قرار می گیرد. امید که این حرکت زیادت و دل بهی دوستداران فرهنگ و هنر اسلامی را جلا بخشد.





نیاید کسی دجعبان سردی مکر از طریق حسرت پردری

کتاب های آموخته های کام به کام نظار ز نستعلیق، مجموعه ای است که براساس یک طرح آموزشی پویسته تمیّه و تنظیم شده است و در صورت همراهی شمارا کام به کام به مقصد مطلوب که به نا فراگیری خط خوش پارسی است، اینجایی می کند.

نکاتی که در این مجموعه باید نظر سه بوده است بدین قرار است:

کتاب اول:

- ۱- شامل قدم های اولیه و اساسی این برنامه است.
- ۲- محور اصلی این کتاب آموزش حروف پارسی در شکل خط های آن است.
- ۳- در کتاب اول علاوه بر تمرینات عملی توضیحاتی نیست برای دریافت درست و اجرای صحیح حروف آورده شده است.
- ۴- شکل درست و قلم نوشت حروف، به جهت به دست آوردن تصویر کامل تر اشکال الفبا آمده است.
- ۵- به علاوه نکاتی پیرامون شرایط لازم برای فراگیری مطلوب در هر طبقه آمده است تا کام های اولیه درست و استوار برداشته شود.

